

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۳۶

DOI: 10.22051/tqh.2017.14969.1605

بازخوانی مفهوم واژه سماء در قرآن کریم

سید مرتضی حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۳/۲۷

چکیده

در برخی آیات قرآن کریم از واژه‌های «سماء و سماوات»، سخن به میان آمده است. نگاه مفهومی به لفظ سماء در این آیات، افق‌های اعجازی تازه‌ای پیش روی مخاطب کلام الهی می‌گشاید. نگارنده به بررسی این واژه در آیات قرآن کریم از بُعد مفهومی پرداخته و حالت‌های متفاوت و معانی ثانویه آن را موشکافی کرده است؛ تا گامی در جهت شناخت جنبه‌ای از جوانب اعجازی این اقیانوس بیکران و حیانی برداشته باشد. پژوهش حاضر بیان‌گر آن است که معانی سقف، ابر، باران، آسمان بهشت و جهنم و آسمان بالای زمین از دلالت‌های ثانوی واژه قرآنی سماء است و ارتباط دقیقی میان این واژه با معانی فوق وجود دارد. بافت زبانی این واژه، توجه در ذات و

نه صرفاً مجرد بالا بودن آن را به خواننده منتقل می‌کند و هم‌نشینی این واژه با واژگان دیگر، علاوه بر بیان مفاهیم خاصی همچون گستردگی مُلک و خضوع آن در برابر پروردگار، سبب خلق مفاهیم جدید مبتنی بر تشبیه‌ها و استعاره‌های حاصل از آن شده است. روش تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سماء، مفهوم شناسی، علم دلالت، علم بلاغت.

مقدمه

پژوهشگران و مدققان قرآن کریم، از گذشته تا کنون، برای شناخت دقیق واژه‌های این کتاب آسمانی، همت مضاعفی مبذول داشته‌اند، تا از این طریق، از گوشه‌ای از اسرار لغوی و مفاهیم دلالی - بلاغی آیات قرآن حکیم پرده بردارند. نگاه معناشناختی به نص قرآن مجید و واکاوی معانی واژگان آن، از راه‌های اصلی دستیابی به این هدف است؛ چراکه بدون توجه به ساختار تک تک کلمات به کار رفته در قرآن و سبک زبانی آن، اولین گام برای فهم آیات، حاصل نمی‌شود.

با توجه به فصاحت و بلاغت زبانی و دقت واژگانی موجود در قرآن حکیم، بحث‌های واژه‌شناسی آیات، تأثیر بسزایی در شناخت زبان و فهم مراد خداوند دارد. در دهه‌های اخیر، علم بررسی مفردات قرآن، از مطرح‌ترین علوم قرآنی محسوب شده و آثار بی‌شماری درباره معناشناسی واژگان آیات شریفه به رشته تحریر درآمده است. راغب اصفهانی از بزرگ‌ترین لغت‌شناسان قرآنی در خصوص ضرورت اطلاع از معانی و مفاهیم مفردات قرآن کریم چنین می‌گوید:

«اولین دانش مورد نیاز از میان علوم قرآنی، دانش لفظی است. و از میان علوم لفظی، تحقیق الفاظ قرآن از مابقی مهم‌تر است. دستیابی به معانی مفردات الفاظ قرآن، از اولین

یاری کنندگان کسی است که می خواهد معانی قرآن را درک کند... چراکه الفاظ قرآن، مغز و گزیده کلام عرب است» (ر.ک: راغب اصفهانی، بی تا، ص ۶).

حقیقت فوق الذکر، اهمیت و ضرورت دانش مفردات قرآن را برای فهم درست مراد خداوند از آیات، روشن می سازد. تاکنون پژوهش های بسیاری در مورد معنای دقیق مفردات قرآنی صورت گرفته که از جمله آن واژه ها، واژه سماء است. این واژه در قرآن مجید، فراوان استفاده شده است. از نظر مفرد و جمع، ۱۱۸ بار به صورت مفرد معرفه (السماء)^(۱) و ۲ بار به صورت مفرد نکره (سما)^(۲)؛ ۱۸۵ مرتبه با صیغه جمع معرفه (السموات)^(۳) و ۵ مرتبه با صیغه جمع نکره (سماوات)^(۴)؛ و از نظر انفراد و ترکیب با کلمه دیگر، ۲ بار با ترکیب (السموات السبع)^(۵)، ۵ مرتبه به صورت (سبع سماوات)^(۶)، ۳ مرتبه همراه با صفت دنیا (السماء الدنيا)^(۷)، ۱۵ مرتبه به شکل (السماء و الأرض)^(۸)، ۱۳۳ مرتبه به صورت (السموات و الأرض)^(۹) و ۲ مرتبه به صورت (الأرض و السماوات)^(۱۰) آمده است (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، صص ۳۶۲-۳۶۶).

با توجه به فراوانی استعمال واژه سماء و صیغه جمع آن در قرآن مجید، اکنون این سؤال مطرح است که مفهوم و مراد از این واژگان چیست؟ آیا در قرآن واژه (سما) و (سماوات) صرفاً به معنای آسمان شناخته شده برای انسان است یا بر مفاهیم دیگری هم

۱- ن.ک: البقرة: ۲۲، الانعام: ۶، هود: ۵۲، غافر: ۶۴ و ...

۲- ن.ک: هود: ۴۴ و فصلت: ۱۲.

۳- ن.ک: البقرة: ۳۳، آل عمران: ۲۹، النساء: ۱۲۶ و ...

۴- ن.ک: البقرة: ۲۹، فصلت: ۱۲، الطلاق: ۱۲، الملك: ۳ و نوح: ۱۵.

۵- ن.ک: الإسراء: ۴۴، المؤمنون: ۸۶.

۶- ن.ک: البقرة: ۲۹، فصلت: ۱۲، الطلاق: ۱۲، الملك: ۳ و نوح: ۱۵.

۷- ن.ک: الصافات: ۶، فصلت: ۱۲، الملك: ۵ و ...

۸- ن.ک: البقرة: ۱۶۴، الأعراف: ۹۶، یونس: ۳۱ و ...

۹- ن.ک: البقرة: ۳۳ و ۱۰۷ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ...

۱۰- ن.ک: ابراهیم: ۴۸، طه: ۴.

دلالت دارد؟ چرا به جای استفاده از معانی ثانوی سماء، از خود آن واژه در بافت آیات استفاده نشده است؟ آیا تعدّد معانی این واژه و کاربرد آن‌ها در قرآن، ارتباطی به ابعاد اعجازی کلام الله دارد؟ آیا حالات انفراد یا اقتران و ترکیب این کلمات با واژگان دیگر، مفاهیم خاصی را به خواننده منتقل می‌کند؟

این تحقیق کتابخانه‌ای با روش استنادی - تحلیلی و با بررسی آیات مرتبط، به دنبال آشنایی بیش از پیش محققان با مفهوم واژه قرآنی سماء و مطالعه روشمند و تحلیلی دلالت‌های متفاوت آن در زبان قرآن کریم و کمک به غنی‌تر کردن تحقیقات آتی در این زمینه می‌باشد.

سما که در لغت عرب از ریشه (س م و) به معنای (رف ع) مشتق شده، اطلاقِ نسبی است یعنی به هر آنچه بالای زمین است سما گفته می‌شود. از آنجا که زمین، کروی شکل است؛ پس سما، تمامی این هستی، به جز زمین است؛ یعنی هر آنچه در هستی وجود دارد سما است و زمین، جز سیاره‌ای که در این سما یا به تعبیری در این هستی، شناور است، تعریفی ندارد (ر.ک: راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۴۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۹۷).

با عنایت به «احوال متنوع و متفاوت ذکر لفظ سما در قرآن کریم و بررسی حالت‌های ترکیبی آن که منجر به آفرینش صورت‌های بلاغی از جمله تشبیه و استعاره شده و به تبع آن باعث جمال و برتری معجزه رسول خدا (ص) بر دیگر دستاوردهای عالی ذهن بشر گردیده» (نجماوی، ۲۰۰۳، صص ۱۲۷ و ۱۲۸) در این نوشتار بر آن شدیم با بررسی ابعاد مفهومی این واژه، در حد بضاعت مزجات خود جنبه‌ای از جوانب اعجاز ادبی سخن باری تعالی را نمایان سازیم.

۱. پیشینه بحث

درباره موضوع سما در قرآن کریم، پژوهش‌های ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است. از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پایان‌نامه «معناشناسی واژگان سماء و ارض در قرآن کریم» از ناهید طهماسبی قرابی که به سال ۱۳۹۰ شمسی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز به راهنمایی دکتر قاسم بستانی و مشاوره دکتر مینا شمخی دفاع شده است. همچنین پایان‌نامه «السماء والأرض فی القرآن الکریم؛ دراسة دلالية للألفاظ والتراکیب» از احمد صالح حمید النجموی (ارائه شده در دانشکده ادبیات دانشگاه موصل به راهنمایی دکتر محیی‌الدین توفیق ابراهیم در سال ۱۴۲۴ ق / ۲۰۰۳ م) را می‌توان نام برد.

مقالات «معناشناسی توصیفی سماوات در قرآن کریم» به قلم دکتر جعفر نکونام (مجله علمی پژوهشی پژوهش دینی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۹، ص ۶۳-۸۴)، «وجوه و مصادیق واژه‌های ماء و سماء در قرآن» نوشته دکتر پروین بهارزاده (فصلنامه سفینه، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۷، ص ۵۵-۶۹)، «هفت آسمان و زمین» از دکتر علیرضا رضائی (مجله قرآن و علم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۴) و نیز مقاله «عجاز ادبی قرآن در معناشناسی واژه سماء» که توسط دکتر بی بی حکیمه حسینی و مریم نخعی در نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی دانشگاه یاسوج در سال ۱۳۹۵ ارائه شده، از دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه است.

در نوشتار پیش‌رو تلاش شده است با تکمیل مطالب پژوهش‌های قبلی که به صورت اجمالی به بحث درباره این واژه پرداخته‌اند، با نگاهی تفصیلی به مفهوم این واژه قرآنی پرداخته شود. علاوه بر این، ذکر حالات انفراد و اقتران و ترکیب اسنادی یا غیر اسنادی این واژه که منجر به پیدایش معانی جدید معجمی شده، می‌تواند به شکل خاص، وجه تمایز این پژوهش از پژوهش‌های فوق‌الذکر باشد.

۲. بررسی لغوی واژه «سماء»

۲-۱. ریشه و معنا

«(سین و میم و واو) اصلی است که دلالت بر عُلُوّ می‌کند» (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۹۸). «اصل واحد در این ماده آن چیزی است که مرتفع است و بالای چیز دیگری قرار دارد و بر آن احاطه دارد. این واژه از شمیا در آرامی و سریانی و عبری گرفته شده، و به هیأت سماء و اسم معرّب، مبدّل گردیده است» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۶۷). سَمَاءُ الشَّيْءِ يُسَمُّو سُمُوًّا یعنی آن چیز، ارتفاع و بلندی یافت (ر.ک: ابن درید، ۱۳۴۴، ج ۳، ص ۵۳؛ ازهری، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۱۵). سماء هر چیز، یعنی بالای آن، چونان که به سقف خانه و پشت اسب نیز سماء اطلاق می‌گردد و سُمُوٌّ یعنی ارتفاع و عُلُوٌّ (ر.ک: جوهری، ۱۹۹۰، ج ۶، ص ۲۳۸۲؛ راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۴۳).

۲-۲. مؤنث یا مذکر

سماء بالای زمین، نزد عرب مؤنث است چرا که آن جمع سَمَاءَةٌ می‌باشد و سَمَاءَةٌ در اصل سَمَاوَةٌ بوده است و اگر سماء، مذکر شود به معنای سقف خواهد بود که از شواهد آن، این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرٌ بِهِ﴾^(۱) (المزمل: ۱۸) و نفرموده: منقطرة (ر.ک: ازهری، بی تا، ج ۱۳، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۹۸). علامه طبرسی در ذیل این آیه شریفه گفته: «لفظ سماء، مذکر است، جایز است مذکر و مؤنث باشد و هر که مذکر گفته، سقف اراده کرده است» (طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۱۰، ص ۱۶۷). جوهری می‌گوید: «سماء، مذکر و مؤنث است» (جوهری، ۱۹۹۰، ج ۶، ص ۲۳۸۱).

۱- آسمان از هم شکافته می‌شود.

ابن سیده، نظر جوهری را بیان کرده و تتمه‌ای بر آن می‌افزاید: «سما، مذکر و مؤنث است و تأنیث آن قوی‌تر است و گاهی تایی تأنیث به آن ملحق می‌شود (سماء) و نیز سما به صورت ممدود و مقصور می‌آید (سما و سما)» (ابن سیده، بی تا، ج ۹، ص ۲).

ابن انباری به نقل از فرّاء به غالب بودن تأنیث این واژه اشاره می‌کند و می‌گوید: «سما مذکر و مؤنث است، و فرّاء گوید: مذکر آمدن آن اندک است و آن گویی جمع سماوة است؛ مثل سحاب و سحابه، و بر جمع سماوات نیز می‌آید، و سما به معنای مطر (باران) مؤنث است؛ چرا که آن در معنای سحابه است و جمع آن سُمی بر وزن فُعول است و سما به معنای سقف، مذکر است... و نسبت سما، سمائی به اعتبار لفظ آن و سماوی به اعتبار اصل آن است» (ر.ک: ابن انباری، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۴۹۲-۴۹۸).

شایان ذکر است که در تمام آیات قرآن کریم، افعال و ضمائر سما، مؤنث آمده؛ مانند: ﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾^(۱) (التکویر: ۱۱)، ﴿وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا﴾^(۲) (الشمس: ۵)، ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْلِ﴾^(۳) (المعارج: ۸)، مگر در آیه شریفه ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرٌ بِهِ﴾ (المزمل: ۱۸) که به صورت مذکر به کار رفته است. بنابراین، شواهد قرآن کریم، نظر زبان شناسانی را که معتقد به تأنیث سما هستند و مذکر آمدن آن را اندک می‌دانند تأیید می‌کند.

خلاصه دیدگاه لغت شناسان عربی درباره مذکر و مؤنث بودن لفظ سما، به شرح

زیر می‌باشد:

- الف و همزه سما (اء) علامت تأنیث نیست، چرا که نزد علمای صرف، همزه در این واژه و مانند آن، منقلب از واو می‌باشد و اصل کلمه (س-م-و) بوده که السمو به معنای العلو از این ریشه است.

۱- و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود.

۲- و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده.

۳- همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می‌شود.

- همزه در سماء غیر زاید است و وزن آن (فَعَال) می‌باشد، و اگر زاید برای تأنیث محسوب گردد بر وزن (فَعَاء) است؛ اما هیچ کدام از علمای صرف، قائل به این وزن برای لفظ سماء نیستند.

- دلیل بر این مطلب که سماء غیر مختوم به الف تأنیث است، منصرف بودن آن می‌باشد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأُوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا﴾^(۱) (فصلت: ۱۲) که سماء تنوین گرفته، و نیز مصغّر شدن آن (سُمِّيَّة) است، بر خلاف لفظی که به الف تأنیث ممدوده ختم می‌گردد که در این صورت به هنگام تصغیر، بر حالت خود باقی می‌ماند؛ مانند: صَحْرَاءُ: صُحْرَاءُ.

- سماء به الف ممدوده ختم شده، اما الف تأنیث نیست و آن مؤنث معنوی است، مانند: أرض و شمس؛ و گاهی مذکر می‌شود به خاطر رعایت معنا، مانند آیه شریفه: ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرَةٌ بِهِ﴾ (المزمل: ۱۸) که به معنای سقف است؛ آن چنان که عرب به دلیل رعایت معنا، مذکر را مؤنث می‌کند، مثلاً می‌گوید: أَتَيْتَكَ كِتَابِي که کتاب مؤنث محسوب شده، زیرا به معنی رساله می‌باشد. فرّاء گوید: عرب در مذکر کردن مؤنث معنوی، جرأت به خرج می‌دهد؛ چرا که آن لفظ در حقیقت از حیث لغت، مذکر است؛ هر چند برای دلالت بر مؤنث، استعمال شود (ر.ک: شمسان، ۲۰۰۴، صص ۳۵۶-۳۵۹).

۲-۳. مفرد یا جمع

جمع سماء، سَمَاوَاتٍ، اُسْمِيَّةٌ، سُمِّيٌّ و سَمَا است (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۹۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ص ۱۲۹۶). البته اگر سماء به معنای مطر (باران) باشد مذکر است و جمع آن، فقط دو وزن اُسْمِيَّةٌ و سُمِّيٌّ است (ر.ک: فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۲).

جوهری بر این اوزان، وزن فَعَائِل را نیز افزوده است، آن چنان که سَحَابَةٌ با جمع سَحَائِبٌ می‌آید (ر.ک: جوهری، ۱۹۹۰، ج ۶، ص ۲۳۸۲)؛ اما ابوعلی فارسی به نقل از

۱- و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود.

سیبویه، درباره جمع سماء - وجه مقابل زمین - نظر دیگری بیان داشته و گفته است: سماء جمع مکسر نیست و الف و تاء در سماوات، آن را از جمع تکسیر بی نیاز می گردانند، پس سُمَى جمع سماء به معنای باران است و نه سمائی که بر زمین سایه می افکند؛ هر چند این را بر وزن أَفْعَلَةٌ [أَسْمِيَّة] جمع می بندند (ر.ک: ابوعلی فارسی، ۱۹۹۹، صص ۴۴۳ و ۴۴۴).

برخی به استناد آیه ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾^(۱) (البقرة: ۲۹) که ضمیر سماء جمع آمده، گفته اند: سماء برای مفرد و جمع هر دو به کار می رود (ر.ک: راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۴۳). و برخی گفته اند: سماء اسم جنس است و دلالت بر اندک و بسیار می کند و مذکر و مؤنث می آید (ر.ک: طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۱۴۳) به قرینه ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ... فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنٍ﴾^(۲) (فصلت: ۱۱ و ۱۲). و برخی گفته اند: سماء مفرد است و جمع بودن آن ضمیر، به اعتبار ما بعد است که سبع سماوات بوده باشد (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۳۳).

همچنین گفته شده است سماء لفظ آن مفرد و معنای آن جمع است، آن چنان که از ابواسحاق روایت شده و به این آیه شریفه استشهاد نموده است: ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ (البقرة: ۲۹) و واجب است که سماء مانند سماوات جمع باشد، و مفرد آن سماء و سماوة محسوب گردد، و اخفش گمان می کند که سماء جایز است مفرد باشد، آن چنان که می گویی: كَثُرَ الدِّينَارُ وَ التَّرْهُمُ بِأَيْدِي النَّاسِ (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۹۹). از مطالب فوق، مشخص شد که واژه سماء از ریشه سَمَوَ بوده و بر علو و ارتفاع دلالت می کند؛ اما میان لغویون، پیرامون تذکیر و تأنیث و مفرد و جمع بودن آن، اختلاف نظر زیادی وجود دارد که هر یک برای اثبات دیدگاه خود به شواهدی از آیات قرآن استناد و دلایلی ارائه می کنند.

۱- سپس به آسمان پرداخت و آن‌ها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود.

۲- سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود... در این هنگام آن‌ها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید.

۳. بررسی مفهومی واژه «سماء»

کلمه سماء در قرآن بر پنج وجه دلالت دارد: نخست به معنی سقف خانه، مانند آیه ۱۵ سوره الحج: (فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ)^(۱). دوم به معنی ابر، مانند آیه ۱۸ سوره المؤمنون: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً)^(۲). سوم به معنی باران، مانند آیه ۱۱ سوره نوح که می فرماید: (يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا)^(۳). وجه چهارم به معنی خود آسمان است، مانند آیه ۴۷ سوره الذاریات که فرموده: (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ)^(۴) که استعمال در این وجه، فراوان است. وجه پنجم، آسمان بهشت و جهنم است؛ در این کلام خداوند متعال که می فرماید: (وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ)^(۵) (هود: ۱۰۸) (ر.ک: دامغانی، ۱۹۸۰، صص ۲۴۸ و ۲۴۹).

شایان ذکر است که واژه سماء علاوه بر معانی فوق الذکر، به دو معنای ظَهر الفَرس (پشت حیوان؛ به دلیل بالا بودن آن) و العُشب (گیاه؛ به دلیل بالا بودن آن از سطح زمین یا چون نتیجه باران است و ذکر سبب و اراده مسبب شده) می باشد (ر.ک: حسینی و نخعی، ۱۳۹۵، ص ۷) اما چون در قرآن کریم این دو معنا، استفاده نداشته، در این نوشتار بدانها پرداخته نشده است.

سماء یا محسوس مادی است و یا مجازی (استعاری). محسوس مادی مانند: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً)^(۶) (النحل: ۱۰)، (ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ) (البقرة: ۲۹)، (يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا) (نوح: ۱۱)، (أَوْ تُسْقِطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَّمَتْ عَلَيْنَا كِثْفًا)^(۷) (الإسراء: ۹۲)، (ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ) (فصلت: ۱۱)، (فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنٍ) (فصلت: ۱۲) که سماء در

۱- ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد.

۲- و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم.

۳- تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد.

۴- و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم.

۵- اما آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمان‌ها و زمین برپاست.

۶- او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد.

۷- یا قطعات (سنگ‌های) آسمان را- آن چنان که می‌پنداری- بر سر ما فرود آری.

این گونه آیات، به دُخانی که ماده اولیه سماوات است، به آسمان‌های هفتگانه، به آسمان‌های مزین با ستارگان و به آسمانی که بمانند سقف است و به ابر باران زا و به فضایی که ابر در آن قرار دارد اطلاق می‌شود.

از جمله مواردی که آسمان در مفهوم استعاری خود به کار رفته و در واقع به مفهوم جایگاه خداوندی و محل تدبیر و تقدیرات الهی است می‌توان به این آیات مبارکه اشاره کرد: (يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ) ^(۱) (السجده: ۵)، (وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِثًا حَرَسًا شَدِيدًا وَ شُهُبًا) ^(۲) (الجن: ۸)؛ چرا که خداوند در این آسمان‌های مادی نیست بلکه در عالم لاهوت غلیبا است و به تدبیر عوالم مادی و روحانی می‌پردازد و لمس جن برای این آسمان مادی نمی‌باشد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، صص ۲۶۸ و ۲۶۹؛ بهارزاده، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

با عنایت به خلاصه ای که گفته شد، در ادامه بحث، با ذکر نمونه‌ای از آیات قرآن کریم، به بررسی تفصیلی مفهوم هر یک از این وجوه می‌پردازیم.

۳-۱. سماء به معنای سقف (السقف)

سماء به معنای سقف، در سه موضع از قرآن به کار رفته است ^(۳). خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره الحج می‌فرماید: (مَنْ كَانَ يُظَلُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ) ^(۴) که ضمیر هاء در يَنْصُرُهُ بنا بر نظر بیشتر مفسران، به نبی مکرّم اسلام (ص) باز می‌گردد.

۱- امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند.

۲- و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم.

۳- ن.ک: الانبیاء: ۳۲، الحج: ۱۵، المرمل: ۱۸.

۴- هر کس گمان می‌کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند؟!

خطاب آیه به کسانی است که به گمان باطل خود می‌پندارند خداوند، رسولش محمد (ص) را در دنیا و آخرت یاری نمی‌رساند؛ پس خیال خام آنان را اینچنین پاسخ می‌فرماید (ر.ک: طبری، ۲۰۰۱، ج ۱۶، صص ۴۷۸-۴۸۵؛ طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۷، ص ۱۳۶).

شاهد مثال در این آیه شریفه، به کار رفتن واژه سماء در معنای سقف خانه است؛ چنانکه شاعر جاهلی «سلامه بن جندل» (د. ۲۳ ق.هـ/ ۶۰۰ م) از کشته شدن «نعمان» به وسیله «کسری» یاد می‌کند و می‌گوید:

هُوَ الْمُدْخِلُ النَّعْمَانَ تَيْتًا سَمَاوَهُ
تُحَوِّرُ الْفَيْوَلِ بَعْدَ بَيْتِ مُسَرْدَقِي^(۱)

(ر.ک: ابن قتیبه، ۱۳۸۴، ص ۴۸۲).

ناگفته نماند که برخی نیز وجه دیگری برای لفظ سماء قائلند و آن حمل سماء بر معنای حقیقی است. بدین معنا که در این آیه شریفه، سماء به معنای خود آسمان است نه سقف خانه (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۳۸۴، ص ۴۸۲؛ طبری، ۲۰۰۱، ج ۱۶، ص ۴۷۹)؛ که در این صورت، سیاق آیه، دلالت بر تعجیز و استبعاد می‌کند؛ زیرا همانطور که ریسمان کشیدن کفار به آسمان، محال است، همانگونه نیز رسیدن به آرزو و خیال باطلشان که همان عدم نصرت پیامبر (ص) از جانب خداوند است، محال است (ر.ک: طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۷، ص ۱۳۶).

در این آیه و سایر آیات مشابه، لفظ سقف به کار برده نشده؛ چراکه وقتی لفظ سقف در قرآن کریم به کار می‌رود^(۲)، مسافت و ارتفاع محدودی مورد نظر است که در آن، بُعد مکان اهمیت دارد؛ اما سماء به معنای سقف، مفهوم عام‌تری دارد و به پوششی که برای زمین است هم اطلاق می‌شود؛ چه ارتفاع آن از سطح زمین اندک باشد یا زیاد (ر.ک: حسینی و نخعی، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

۱- ترجمه بیت: او داخل کننده نعمان به خانه ای است که سقف آن، سر و سینه فیل هاست؛ بعد از خانه ای که پرده کشیده شده است.

۲- ن.ک: النحل: ۲۶، الانبیاء: ۳۲، الزخرف: ۳۳، الطور: ۵.

۲-۳. سماء به معنای ابر (السحاب)

سماء به معنای ابر در ۲۶ موضع قرآن کریم ذکر شده است^(۱) و چون به معنای ابر است، به استثنای دو مورد^(۲) در سایر مواضع با فعل إنزال قرین شده. سماء با فعل أُنزِلَ ۱۲ مرتبه، و با فعل أُنزِلْنَا پنج مرتبه، و با صیغه مضارع يُنزِلُ سه مرتبه، و با فعل مضاعف نَزَّلَ دو مرتبه، و با فعل نَزَّلْنَا یک مرتبه آمده است.

در سماء به معنای ابر، ابرهای باران‌زا مد نظر است و هرگونه بی‌منفعتی از آن‌ها نفی شده است (ر.ک: حسینی و نخعی، ۱۳۹۵، ص ۱۲). از جمله موارد استعمال سماء به معنای ابر (سحاب)، این آیه شریفه است که خداوند متعال می‌فرماید: (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...) (البقرة: ۲۲).^(۳) سیاق آیه، جمله خبری و معطوف به کلام قبل است که جمله أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ به معنای أُنزِلَ مِنَ السَّحَابِ است (ر.ک: طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۱۲۴). از آنجا که در تقدیم کلمات، فائده بسیار و معنای والایی است، که با مؤخَّر آمدن الفاظ حاصل نمی‌شود (ر.ک: عبدالقاهر جرجانی، ۲۰۰۴، ص ۲۸۶)، جار و مجرور (من السماء) بر مفعول (ماء) مقدم شده است.

علت تکرار کلمه سماء در جمله (وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً) و نیابردن ضمیر به جای اسم ظاهر، آن است که سمائی که همچون خیمه‌ای بر زمین سایه افکننده و مانند سقفی بنا شده است، با آسمانی که محل ریزش باران است فرق دارد. آسمان اولی محل نظام کیهانی و اختران ثابت و سیاری است که در مدارهای ریاضی، نه طبیعی، سیر می‌کنند.

۱- ن.ک: البقرة: ۱۹ و ۲۲ و ۱۶۴، الانعام: ۹۹، الانفال: ۱۱، یونس: ۲۴، الرعد: ۱۷، ابراهیم: ۲۴ و ۳۲، الحجر: ۲۲، النحل: ۱۰ و ۶۵، الکهف: ۴۵، طه: ۵۳، الحج: ۶۳، المؤمنون: ۱۸، النور: ۴۳، النمل: ۶۰، العنکبوت: ۶۳، الروم: ۲۴، لقمان: ۱۰، فاطر: ۲۷، الزمر: ۲۱، الزخرف: ۱۱، الجاثیه: ۵، ق: ۹.

۲- ن.ک: البقرة: ۱۹ و ابراهیم: ۲۴

۳- آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد.

کند...؛ ولی آسمان دومی همان جوّ متراکم بالای زمین است که جایگاه ابرهاست (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۳۹۲ و ۳۹۳).

البته عبارت (من السماء) در آیه مورد نظر را می‌توان به معنای اصلی آن یعنی همان آسمان در نظر گرفت و تقدیر آیه را به صورت (مِن نَاحِيَةِ السَّمَاءِ) دانست؛ چنانکه در بیت زیر از ابو ذؤیب هذلی از شعرای مخضرم جاهلی اسلامی آمده است:

أَمِنْكَ الْبَرْقُ أَرْقُبُهُ، فَهَاجَا: که به معنای (أَمِنْ نَاحِيَتِكَ الْبَرْقُ) است (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱ و ج ۶، ص ۲۰۸).

اما برای یافتن دلیل اینکه چرا در این آیه و سایر آیات مشابه، سماء به معنی سحاب آورده شده است، باید به بحث بلاغی مجاز مرسل و علاقه مجاورت مراجعه کرد. سحاب از آن جهت که در آسمان و نزدیک به آن است، در این معنا به کار رفته است: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ يُرِيْدُ السَّحَابَ، سُجِّيَ بِدَلِّكَ تَجْوَرًا؛ لَمَّا كَانَ يَلِي السَّمَاءَ وَيُقَارِبُهَا» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۵).

۳-۳. سماء به معنای باران (المطر)

سماء به معنای باران در سه سوره به کار رفته است^(۱). آیه (أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ تُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا)^(۲) (الأنعام: ۶) درباره عبرت از آنچه بر امت‌های کذاب گذشته اتفاق افتاده، و این امر با وجود تفضّل و إنعام خداوند به آنان بوده، سخن می‌گوید. خطاب به اهل مکه به طور خاصّ و کافران به طور عامّ است (ر.ک: قرطبی، بی‌تا، ج ۶، صص ۳۹۱ و ۳۹۲). آیه در سیاق جمله خبری و معطوف می‌باشد. مراد از سماء، باران و برکت است (ر.ک: طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۲)؛ و مطر از آن حیث که از آسمان فرود می‌آید، بر آن سماء اطلاق شده است (ر.ک: راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۴۳).

۱- ن.ک: الأنعام: ۶، هود: ۵۲، نوح: ۱۱

۲- آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و) قدرتهایی به آنها داده بودیم که به شما ندادیم؛ بارانهای پی در پی برای آنها فرستادیم.

ابوعبیده می گوید: «سما در اینجا مجازش مطر، و مجاز أرسلنا، أنزلنا و أمطرنا است» (ابوعبیده، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۱۸۶).

سما به معنای باران، در شعر عرب نیز وارد شده، و حتی به دلیل توسیع معنای آن، به گیاه نیز سما اطلاق شده است؛ مانند این سخن «معاویة بن مالک» ملقب به «معوود الحکماء»^(۱):

إِذَا سَقَطَ السَّمَاءُ بِأَرْضِ قَوْمٍ
رَعِينَاهُ وَإِنْ كَانُوا غَضَابًا^(۲)

(ر.ک: جوهری، ۱۹۹۰، ج ۶، ص ۲۳۸۲).

شاهد مثال در مصرع اول، لفظ سما می باشد. بیت مزین به آرایه معنوی استخدام است. مرجع ضمیر غایب هاء در جمله رَعِينَاهُ، سما بوده که به معنای گیاه و علف می باشد. راغب می گوید: «باران از آن جهت سما نامیده می شود که از آسمان می آید. به گیاه و علف نیز سما می گویند به جهت این که از باران است و یا به علت ارتفاعش از زمین» (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۴۳).

اما در پاسخ به این پرسش احتمالی که چرا خود واژه مطر در این آیات به کار نرفته است؟ باید گفت واژه مطر و مشتقات آن، ۱۵ مرتبه در قرآن به کار رفته^(۳) که با بررسی آن ها، این نتیجه حاصل می شود که در اکثر قریب به اتفاق آن آیات، منظور از مطر همان باران های عذاب آور است که به قصد هلاکت اقوام گناه کار بر آن ها نازل شده است (ر.ک: حسینی و نخعی، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

۱- درباره زندگی و لقب وی، ن.ک: الاعلام زرکلی، ۱۹۹۸، ج ۷، ص ۲۶۳

۲- ترجمه بیت: آنگاه که باران در سرزمین قومی ببارد، علف و گیاه [حاصل از] آن را [توسط ستوران خود] می چریم، هر چند که آن قوم [از این کار] خشمناک باشد.

۳- ن.ک: النساء: ۱۰۲، الاعراف: ۸۴، الانفال: ۳۲، هود: ۸۲، الحجر: ۷۴، الفرقان: ۴۰، الشعراء: ۱۷۳، النمل: ۵۸، الاحقاف: ۲۴.

۳-۴. سماء به معنای آسمان بهشت و دوزخ (سماء الجنة و النار)

از جمله آیاتی که سماء بر آسمان جهنم دلالت می‌کند، این سخن باری تعالی است که می‌فرماید: (فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ)^(۱) (هود: ۱۰۶ و ۱۰۷). آیات در قالب جمله خبری است که فرجام مشرکان و کفار را خلود در جهنم بیان می‌کند. سماء به معنای آسمان بهشت، در آیه بعدی همین سوره ذکر گردیده، آن‌جا که می‌فرماید: (وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فِيهَا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْذُوبٍ)^(۲) (هود: ۱۰۸).

باید توجه داشت که مراد آیات مذکور، آسمان و زمین معروف و شناخته شده نیست؛ زیرا که آن دو، طبق تصریح آیات دیگر، دچار تغییر خواهند شد: (يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ)^(۳) (ابراهیم: ۴۸) (ر.ک: زمخشری، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۵).

۳-۵. سماء به معنای آسمان معروف (وجه مقابل زمین)

لفظ سماء به معنای آسمان، در ۸۵ موضع از قرآن کریم به کار رفته است.^(۴) موضوع این آیات، حول چندین محور است: توحید و وحدانیت (۲۱ موضع)، رحمت و عنایت

۱- اما آنها که بدیخت شدند، در آتشند؛ و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» [ناله‌های طولانی دم و بازدم] است* جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می‌دهد.

۲- ... مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی.

۳- در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می‌شود.

۴- ن.ک: البقرة: ۲۲ و ۲۹ و ۵۹ و ۱۴۴ و ۱۶۴، آل عمران: ۵، النساء: ۱۵۳، المائدة: ۱۱۲ و ۱۱۴، الانعام: ۱۲۵ و ۱۲۷، الاعراف: ۴۰ و ۹۶ و ۱۶۲، الانفال: ۳۲، یونس: ۳۱ و ۶۱، هود: ۴۴، ابراهیم: ۳۸، الحجر: ۱۴ و ۱۶، النحل: ۷۹، الاسراء: ۹۲ و ۹۳ و ۹۵، الکهف: ۴۰، الانبیاء: ۴ و ۱۶ و ۱۰۴، الحج: ۳۱ و ۶۵ و ۷۰، الفرقان: ۲۵ و ۶۱، الشعراء: ۴ و ۱۸۷، النمل: ۶۴ و ۷۵، العنکبوت: ۲۲ و ۳۴، الروم: ۲۵ و ۴۸، السجدة: ۵، سبأ: ۲ و ۹ و ۹۰، فاطر: ۳، یس: ۲۸، الصافات: ۶، ص: ۲۷، غافر: ۶۴، فصلت: ۱۱ و ۱۲، الزخرف: ۸۴، الدخان: ۱۰ و ۲۹، ق: ۶، الذاریات: ۲۲ و ۲۳ و ۴۷، الطور: ۹ و ۴۴، القمر: ۱۱، الرحمن: ۷ و ۳۷، الحديد: ۴ و ۲۱،

(۱۵موضوع)، سخن از روز قیامت (۱۲موضوع)، عقاب و عذاب (۱۱موضوع)، احاطه پروردگار به تمام اشیاء و وسعت علم او (۱۰موضوع)، تهدید و وعید (۹موضوع)، تحدی (۷موضوع).

گاهی مراد از سماء، اجرام و موجودات غلوی و ستارگان است؛ مانند آیه (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ) (الذاریات: ۴۷) و سوره‌های البقرة: ۱۶۴، طه: ۴، الشوری: ۲۹.

گاهی مقصود از سماء، طبقات هفتگانه جوّ است که مفرد و مطلق آمده؛ مانند: (يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْلِ) (المعارج: ۸) و سوره‌های الحاقه: ۱۶ و القمر: ۱۱.

اما غرض در برخی آیات، مطلق بیان عالم فوق است؛ نظیر: (وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)^(۱) (الحديد: ۲۱) و سوره‌های الذاریات: ۲۳ و الزخرف: ۸۴ (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۳۹).

در پاره ای از آیات شریفه، آسمان به معنی عالم معنا و ملکوت به کار رفته است؛ مانند آیه ۵ سوره السجده که می فرماید: (يُدِيرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ) و نیز: (لَا تَقْفُحْ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ)^(۲) (الأعراف: ۴۰) (ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۶۳).

۴. انفراد و اقتران واژه «سما»

جایگاه و شیوه بیان کلمات در قرآن کریم، بسیار دقیق و حساب شده است؛ از همین رو اگر لفظ سما به صورت مفرد یا جمع، منفرد یا مقترن بیاید، در بهترین حالت خود بوده و اقتضای مقام و تناسب حال، لحاظ شده است. سبک و اسلوب آیاتی که واژه سما و سماوات در آن آمده، به گونه ای است که هدفی خاص و مطلبی اعجاز آمیز را مد نظر قرار داده است.

الملک: ۱۶ و ۱۷، الحاقه: ۱۶، المعارج: ۸، الجن: ۸، المرسلات: ۹، النبأ: ۱۹، النازعات: ۲۷، التکویر: ۱۱، الانفطار: ۱،

الانشقاق: ۱، البروج: ۱، الطارق: ۱ و ۱۱، الغاشیه: ۱۸، الشمس: ۵

۱- و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است.

۲- (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود.

با دقت بیشتر در این مسأله، مشاهده می‌شود که این واژه گاهی به صورت منفرد و یا همراه کلمه دیگری که غالباً واژه اَرْض است و یا در قالب ترکیب (به صورت صفت و موصوف یا مضاف و مضاف الیه) به کار رفته که در بردارنده نکاتی مهم و در خور توجه است (ر.ک: نجم‌اوی، ۲۰۰۳، ص ۶۴) که در ادامه بحث، سعی می‌گردد جهت دستیابی به نتیجه‌ای دقیق و موشکافانه، با تحلیل شواهدی از آیات به توضیح مطلب فوق بپردازیم.

۴-۱. سماء در حالت منفرد و مفرد

سماء به صورت منفرد (غیر مقترن با کلمه دیگر) در ۵۴ موضع قرآن کریم ذکر گردیده است.^(۱) از آن جمله است آیات کریمه: (وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ * لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ)^(۲) (الحجر: ۱۴ و ۱۵). عروج در سماء به معنای صعود به آسمان، و سَکَرَتْ از تسکیر به معنای پوشاندن است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۳۶).

خداوند برای نشان دادن غایت کفر کافران و سرکشی مشرکان، به معجزه بی‌بدیل خود یعنی آسمان، مثل زده و از نشانه‌های زمینی عدول می‌کند، و می‌فرماید که اگر کافران، چنین معجزه شگفت‌انگیزی را نیز مشاهده کنند، باز بر انکار خود پافشاری کرده و برای آن توجیهاات احمقانه می‌آورند.

اسلوب قرآنی از ادات شرط (لو) استفاده کرده، تا عناد مشرکان را از خلال جمله شرط (فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ) و جواب شرط (لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ

۱- ن.ک: الفرقان: ۲۵ و ۴۸ و ۶۱ و ۱۸۷، الشعراء: ۴، النمل: ۶۰، العنکبوت: ۳۴، الفاطر: ۲۷، یس: ۲۸، الصافات: ۶، غافر: ۱۳، فصلت: ۱۲، الزخرف: ۱۱، الدخان: ۱۰، ق: ۹، الذاریات: ۷، الطور: ۹ و ۴۴، الرحمن: ۳۷، الملک: ۱۷ و ۵، المعارج: ۸، نوح: ۱۱، الجن: ۸، المرسلات: ۹، النبأ: ۱۹، التکویر: ۱۱، الانفطار: ۱، البروج: ۱، الطارق: ۱.

۲- و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، و آنها پیوسته در آن بالا روند* باز می‌گویند: «ما را چشم‌بندی کرده‌اند؛ بلکه ما (سر تا پا) سحر شده‌ایم!».

مَسْخُورُونَ) برساند. همچنین از فعل (ظَلَّ) که بر انجام شدن امری در روز دلالت می‌کند استفاده شده، تا نشان دهد عروج آن‌ها در روز صورت می‌گیرد تا آنچه را می‌بینند، پر واضح و روشن باشد و جایی برای انکار باقی نماند (ر.ک: ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۴، ص ۲۶).

همچنانکه خداوند متعال با به کار بردن این فعل، به استمرار عروج اشاره نموده و فرموده است: (فَطَّلُوا فِيهِ يَغْرُجُونَ) و نفرمود: (فَعَرَجُوا فِيهِ)؛ زیرا تعبیر اول، استمرار را می‌رساند و دومی، یک نوبت و دو نوبت را (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۳۶).

۴-۲. سماء در حالت منفرد و جمع

سماء به صورت منفرد و جمع (سماوات) در ۵ موضع قرآن کریم به کار رفته است^(۱). در اینجا برای درک مفهوم سماوات باید به زبان عرف عرب زمان نزول قرآن مراجعه نماییم؛ چراکه کسی نمی‌تواند ادعا کند که آیات قرآن مبین خطاب به گروه خاصی مثلاً شاعران یا عارفان و... نازل شده است. بنابراین چون هیچ یک از آیات شریفه، مخاطب خاصی، طبق آنچه مورد نظر است نداشته، باید بگوییم زبان قرآن به عرف عام عرب آن زمان نازل شده است (ر.ک: معرفت، بی تا، ص ۲۷۶) به این ترتیب، باید معنای سماوات را چنان که متعارف عرف عام عرب عصر رسول خدا (ص) بوده است فهمید؛ نه آن چنان که علمای تجربی عصر حاضر می‌فهمند.

آنچه مسلم است این است که عرب عصر رسول خدا (ص) جز همین آسمان معهود را نمی‌شناخته است؛ لذا مراد از سماوات، چیزی جز همان سماء معهود و آشنا برای بشر عادی-که در آن شب و روز پدید می‌آید و ابر و باران و ماه و خورشید و ستارگان مشاهده می‌شود-نیست (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۴، صص ۶۸ و ۶۹ و ۷۲). همچنین لغت سماء، چه در معنا جمع باشد یا مفرد، طبق شواهدی که در آیات قرآن وجود دارد، با لغت سماوات، مترادف

۱- ن.ک: غافر: ۳۷، فصلت: ۱۲، الشوری: ۵، النجم: ۲۶، الملک: ۳.

و هیچ تفاوت معنایی ندارد (جهت اطلاع از شواهد مترادف معنایی سماء و سماوات در قرآن، ر.ک: همان، صص ۷۳-۷۵).

از جمله آیاتی که لفظ سماوات در آن به صورت منفرد و جمع آمده، آیه ۵ سوره مبارکه الشوری است. خداوند متعال می‌فرماید: (تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقَيْنِ)^(۱). کلمه (يَتَفَطَّرْنَ) از مصدر (تَفَطَّرَ) است که به معنای پاره پاره شدن است، چون کلمه (تَفَطَّرَ) که مصدر باب تَفَعَّل است، از (فَطَرَ) گرفته شده، که به معنای پاره شدن و شکافتن است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۰).

اقوال مفسران در توضیح و تفسیر آیه متفاوت است. برخی گویند: نزدیک است که هر آسمانی که بر بالای آسمان دیگر قرار دارد، از این سخن مشرکان که گویند (اتَّخَذَ اللَّهُ وِلْدَانًا)^(۲) شکافته شود؛ و نیز گفته شده: نزدیک است آسمان‌ها از عظمت و جلال خداوند، شکافته شود؛ و یا از کثرت حضور ملائکه در آسمان‌ها که در حال قیام یا رکوع یا سجودند، نزدیک است که آسمان‌ها بشکافتند (ن.ک: طبری، ۲۰۰۱، ج ۲۰، صص ۴۶۶-۴۶۷).

۴-۳. سماء در حالت مقترن و جمع

خداوند سبحان می‌فرماید: (أَفَغَيْرُ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَالَّذِينَ يَرْجُونَ)^(۳) (آل عمران: ۸۳). قرآن مجید در اینجا اسلام را به معنی وسیعی تفسیر کرده و می‌گوید: تمام کسانی که در آسمان و زمین اند و تمام موجوداتی که در آن‌ها وجود دارند مسلمان اند، یعنی در برابر فرمان او تسلیم اند؛ زیرا روح اسلام همان تسلیم در برابر

۱- نزدیک است آسمان‌ها (به خاطر نسبت‌های ناروای مشرکان) از بالا متلاشی شوند.

۲- خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است.

۳- آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین اسلام است)؛ و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

حق است، اما گروهی از روی اختیار (طوعاً) در برابر قوانین تشریحی او تسلیم اند و گروهی بی اختیار (کرها) در برابر قوانین تکوینی او (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۴۳). احتمال دیگری که در تفسیر آیه آمده و بسیاری از مفسران آن را ذکر کرده اند و در عین حال منافاتی با مطالب قبل ندارد این است که افراد با ایمان در حال رفاه و آرامش از روی رغبت و اختیار به سوی خدا می روند، اما افراد بی ایمان تنها به هنگام گرفتاری و مشکلات طاقت فرسا به سوی او می شتابند (ر.ک: همان، ص ۶۴۴).

لفظ (سماوات) به صورت جمع و قرین با لفظ (ارض)، گستره محیط و فضای عظیمی که فرمانبردار و خاضع پروردگاران را نشان می دهد. کاربرد صیغه جمع به شکل (سماوات) نشان می دهد که مقصود، ذات آسمان هاست با توجه به تعداد بسیارشان، نه فقط مجرد غُلُو و بالا بودن آن (ر.ک: لاشین، ۱۹۸۳، ص ۱۲۳).

اسلوب کلام با تقدیم جار و مجرور (له) که متعلق به فعل (اسلم) است، بر معنای تسلیم پذیری در برابر حق، تاکید می کند چرا که فرمانبرداری و تسلیم شدن را به خداوند تخصیص داده است.

۵. ترکیب واژه سماء

منظور از ترکیب واژه سماء در قرآن کریم، این است که همراه لفظ یا الفاظی در ترکیب اسنادی یا غیر اسنادی قرار گیرد که نتیجه آن، پیدایش معنای جدیدی است که در معنای معجمی وارد نشده است. اما نکته قابل دقت این است که خلق این معنای جدید که محصول ترکیب الفاظ است به خودی خود و به شکل تصادفی روی نمی دهد، بلکه بر اثر فرآیند ارتباط لفظ و معنا و تاثیر عوامل اجتماعی و محیطی و فرهنگی صورت می پذیرد. از نمونه های قرآنی این ویژگی، مضاف یا مضاف الیه بودن لفظ سماء، و یا سوگندهایی است که به سماء زده شده، و فنون و اسالیب بیانی مانند تشبیه ها و استعاره هایی که ظهور کرده است (ر.ک: نجم‌اوی، ۲۰۰۳، صص ۱۲۷ و ۱۲۸).

موضوع اکثر آیات ترکیبی که لفظ سماء و صیغه جمع آن را در تعبیرات خود جای داده، وحدانیت و عظمت خداوند در آفرینش و آگاهی خالق هستی از غیب می‌باشد. ما در این مجال، برخی از این آیات را مورد کنکاش قرار می‌دهیم:

خداوند در آیه ۴۰ سوره الأعراف می‌فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ)^(۱). این آیه، بیان جزای کسانی است که آیات پروردگار را تکذیب می‌کنند. بعضی مفسران گویند: برای کافران عمل صالحی بالا نمی‌رود؛ و گفته شده که بهشت در آسمان است، پس منظور این است که به کافران اذن عروج به آسمان داده نمی‌شود تا وارد بهشت گردند؛ و یا گفته شده که ارواح کافران آنگاه که بمیرند بمانند ارواح مؤمنان بالا نمی‌رود؛ و یا بر آنان برکت فرود نمی‌آید و یاری نمی‌شوند (ر.ک: قرطبی، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۰۶ و ۲۰۷).

شاهد سخن، ترکیب (ابواب السماء) از نوع اضافه معنوی است. (ابواب) در اینجا به معنای راه‌های نزول برکت و رزق از آسمان بر اهل زمین است. فعل منفی (لا تفتح) به همراه ترکیب (ابواب السماء) بر معنای محرومیت کفار از برکات الهی و روزی خیر، که عدم استجابت دعا و عدم قبول اعمال و محرومیت ارواح آنان از ورود به بهشت را شامل است دلالت دارد. آیه با جمله (لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ) از این محروم بودن تعبیر کرده، هر چند که آنان به ظاهر از نعمت‌های دنیایی مانند نزول باران و انواع طعام‌ها و نوشیدنی‌ها بهره‌مند باشند.

ممکن است منظور از آسمان در اینجا معنی ظاهر آن باشد، و نیز ممکن است کنایه از مقام قرب خدا بوده همانگونه که در آیه ۱۰ سوره فاطر می‌خوانیم: (إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)^(۲). روشن است که اعمال صالح و سخنان پاکیزه، چیزی نیستند که

۱- کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و (هیچ‌گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم.

۲- سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد.

به سوی این آسمان بالا روند، بلکه به سوی مقام قرب خدا پیش می‌روند و عظمت و رفعت معنوی می‌یابند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱۱، ص ۴۸).

۶. سوگند به سماء

کارکرد و هدف سوگند در زبان عربی، تأکید معناست و نه تأکید لفظی؛ و برای آن حروفی است که از آن جمله، حرف (باء) می‌باشد و آن حرف اصلی قسم محسوب می‌گردد، زیرا فعل قسم - که غالباً محذوف است - با این حرف بیان می‌شود (أَقْسِمُ بـ). از حروف دیگر قسم، حرف (واو) است که بیشترین کاربرد را از میان حروف قسم به خود اختصاص می‌دهد (ر.ک: نجم‌آوی، ۲۰۰۳، ص ۱۳۷، به نقل از: اسالیب القسم فی اللغة العربیة، کاظم فتحی الراوی، ص ۶۲). همچنین (تاء) از حروف قسم است. اما با دو حرف (واو و تاء) فعل قسم ذکر نمی‌گردد.

در اکثر آیاتی که قسم به سماء ذکر شده، حرف (واو) به کار رفته است. قرآن کریم از طریق قسم به سماء، نگاه‌ها را متوجه کائنات و هستی نموده، که این امر نزد عرب شیوه‌ای نامألوف و ناشناخته می‌باشد. اما کلام خداوند از این شیوه برای تحریک و تشویق به تأمل و تیز بینی در عظمت خالق و نعمت‌های بی‌شمار او بهره برده است (ر.ک: نجم‌آوی، ۲۰۰۳، ص ۱۳۷).

زرکشی گوید: «خداوند متعال به سه چیز قسم یاد کرده است: ۱- به ذاتش: (فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ) (الذاریات: ۲۳)^(۱) و (فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ)^(۲) (الحجر: ۹۲). ۲- به فعلش: (وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا * وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا)^(۳) (الشمس: ۵-۷). ۳- به مفعولش: (وَالسَّجْمِ

۱- سوگند به پروردگار آسمان و زمین.

۲- به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد.

۳- ... و قسم به زمین و کسی که آن را گسترانیده* و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته.

إِذَا هَوَىٰ^(۱) (النجم: ۱) و (وَالطُّورِ * وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ)^(۲) (الطور: ۱ و ۲) (ر.ک: زرکشی، بی تا، ج ۳، ص ۴۲). البته دیدگاه زرکشی قابل نقد است؛ چراکه نوع دوم در تقسیم بندی او بمانند نوع سوم، مفعول خداوند است؛ بنابر این نظر، اقسام دوم و سوم، قابل جمع اند.

در خصوص قسم به سماء و ارزش فنی و تعبیری آن، باید گفت که این نوع سوگندهای قرآنی در بردارنده بلاغتی بسیار عالی است که با ارائه نمونه‌ای از آن، این مطلب را بهتر درک خواهیم کرد.

قسم‌های قرآنی که به سماء یاد شده در پنج موضع^(۳) آمده و این در حالی است که قسمی به لفظ (سماوات) یاد نشده است. تمامی این آیات، مکی هستند و این از طبیعت سوره‌های مکی است که به اصول عقاید پرداخته و آن را با قسم‌هایی تأکید می‌کند تا حجت را بر کفار مکه تمام کرده و به اقناع آنان و بیان صدق دعوت رسولش (ص) پردازد (ر.ک: نجم‌اوی، ۲۰۰۳، ص ۱۳۸).

خداوند متعال می‌فرماید: (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْخُبُكِ * إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ)^(۴) (الذاریات: ۷-۸). معنای (ذات الخبک) را (ذات الطرائق) دانسته اند، یعنی آسمان دارای راه‌ها و مسیرهایی برای حرکت ستارگان می‌باشد. (الجَبَاكُ وَ الْحَيِّكَةُ)، راه‌شنزار و مانند آن است و جمع (جَبَاكُ)، (خُبُكُ) و جمع (خَيِّكَةُ)، (جَبَايِكُ) است، و گفته اند که معنای این سخن خداوند که می‌فرماید: (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْخُبُكِ) همان راه‌های ستارگان است (ر.ک: جوهری، ۱۹۹۰، ص ۱۵۷۸). ابن فارس گوید: (حاء و باء و کاف) اصلی است که دلالت بر بستن و محکم کردن [...] دارد و خُبُكُ السماء در این آیه (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْخُبُكِ) بنابر نظر گروهی، یعنی آسمان دارای آفرینش نیکو و مُحکم است؛ و برخی گفته اند: جبک یعنی راه‌ها و مفرد آن

۱- سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند.

۲- سوگند به کوه طور* و کتابی که نوشته شده.

۳- ن.ک: الذاریات: ۷، البروج: ۱، الطارق: ۱ و ۱۱، الشمس: ۵.

۴- قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست* که شما (درباره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید.

حیکه می‌باشد، و مراد از آن، راه‌های ستارگان است (ر.ک: ابن فارس، ۱۹۷۹، ۲، ص ۱۳۰). همچنین آنگاه که بادی بر آب راکد و یا شن‌های بیابان بوزد و باعث ایجاد خط و شکن‌هایی بر سطح آن گردد، به آن چین و شکن‌ها حُبُک گویند (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۹۷۸، ص ۴۲۰).

مراد از راه‌های آسمانی یا راه‌های محسوس است که مسیر حرکت و سیر ستارگان است، و یا راه‌های معقولی که هر بیننده‌ای از طریق آن به معارف الهی دست می‌یابد، و یا خود ستارگان است که برای آن راه‌هایی وجود دارد و یا سبب زینت آسمان می‌گردد (ر.ک: بیضاوی، بی تا، ج ۵، ص ۲۳۵).

علامه طباطبایی در ذیل این آیه، تفسیر ارزشمندی ارائه می‌کند و می‌فرماید: کلمه (حک) به معنای حُسن و زینت است، و به معنای خلقت عادلانه نیز هست، و وقتی به (حیکه) یا (حاک) جمع بسته می‌شود معنایش طریقه یا طرائق است، یعنی آن خط‌ها و راه‌هایی که در هنگام وزش باد به روی آب پیدا می‌شود. پس معنای آیه بنا بر معنی اول چنین می‌شود: به آسمان دارای حسن و زینت سوگند می‌خورم. در این صورت این آیه به آیه (إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ) (الصافات: ۶)؛ شباهت خواهد داشت. و بنا بر معنای دوم چنین می‌شود: به آسمان که خلقتی معتدل دارد سوگند.

در این صورت به آیه (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ) (الذاریات: ۴۷) شباهت دارد. و بنا بر معنای سوم چنین می‌شود: به آسمانی که دارای خطوط است سوگند. در این صورت به آیه (وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَعً طَرَائِقُ)^(۱) (المؤمنون: ۱۷) نظر دارد. و بعید نیست که ظهورش در معنای سوم بیشتر باشد، برای اینکه آن وقت، سوگند با جوابش مناسب تر خواهد بود؛ چون جواب قسم، عبارت است از اختلاف مردم و تشتت آنان در طریقه‌هایی که دارند: (إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ) که مُقَسَم علیه است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۳۶۶).

۷. سماء و بلاغت تشبیه‌های آن

از جمله تشبیه‌های قرآنی که لفظ سماء در رکن مشبّه قرار گرفته، آیه شریفه (يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْهَا بِإِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ)^(۱) (الانبیاء: ۱۰۴) است. آیه به منظره‌ای از مناظر قیامت و زوال حیات دنیایی اشاره دارد و می‌گوید: روزی فرا می‌رسد که آسمان را در هم می‌پیچیم، همان‌گونه که طومار نامه‌ها، نوشته‌های فراوان درون خود را در هم می‌پیچد.

راغب اصفهانی درباره لفظ سَجَلْ گوید: «گفته شده سَجَلْ سنگی است که در قدیم بر آن می‌نوشتند، سپس به هر چیزی که بشود روی آن نوشت سَجَلْ گفته می‌شود. خداوند متعال فرموده: (كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ) یعنی مثل پیچیدن آنچه که در آن چیزی نوشته شده باشد تا محفوظ بماند» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۲۵). طَيَّ و پیچیدن آسمان، به معنای برگشت آن به خزائن غیب است بعد از آن که از خزائن نازل و اندازه‌گیری شده بود، همچنان که درباره آن و تمامی موجودات فرموده: (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ)^(۲) (الحجر: ۲۱) و نیز به طور مطلق فرموده: (وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ)^(۳) (آل عمران: ۲۸) و نیز فرموده: (إِنِّي إِلَى رَبِّكَ الرَّجُوعِي)^(۴) (العلق: ۸) (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۳۲۹).

آیه شریفه حالت در هم پیچیدن سماء (مشبّه) را به حالت بسته شدن کتاب (مشبّه به) همانند کرده؛ پنهان شدن نشانه‌ها، وجه شبه آن است. باید توجه داشت که مقصود اصلی تشبیه در این آیه، فقط بیان وضعیت روز قیامت نیست؛ بلکه هدف اصلی تبیین عظمت و قدرت خالق است؛ زیرا برچیدن بساط آسمان با آن عظمت را بسان بستن طوماری برشمرده است.

- ۱- در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان‌گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.
- ۲- و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم.
- ۳- و بازگشت (شما) به سوی خداست.
- ۴- و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است.

۸. سماء و بلاغت استعاره‌های آن

از نمونه استعاره‌های قرآنی که از لفظ سماء بهره گرفته، آیه شریفه: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾^(۱) (الدخان: ۲۹) است. آیه به حالت آسمان و زمین پس از عذاب فرعون و قوم کافر او اشاره می‌کند.

در زبان عربی، زمانی که قصد بزرگداشت مرگ انسان والا مقامی اراده گردد چنین گفته می‌شود: خورشید برای او تاریک شد و ماه از فقدان او خسوف کرد و باد و برق و آسمان و زمین بر او گریست (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۹۷۳، ص ۱۶۷). با این تعبیر می‌خواهد در بیان مصیبت، مبالغه کند و این شیوه‌ای از شیوه‌های کلام عرب است (ر.ک: لاشین، ۱۹۸۰، ص ۲۹).

عدم گریستن آسمان و زمین بر چیزی که فوت شده، کنایه از این است که آسمان و زمین از فوت و نابودی آن تغییر حالت نمی‌دهند و متأثر نمی‌شوند. و در آیه مورد بحث، هم کنایه است از اینکه هلاکت قوم فرعون هیچ اهمیتی برای خدا نداشت، چون در درگاه خدا خوار و بی‌مقدار بودند. و به همین جهت هلاکت شان هیچ اثری در عالم نداشت (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۱۴۱).

نوع استعاره به کار رفته در آیه، مکنیه می‌باشد؛ چنانکه آسمان و زمین را همچون انسانی زنده در نظر گرفته که به خاطر هلاکت قومی فاسد و پست، اندوه و حزنی به خود راه نمی‌دهد، زیرا خداوند بر آنان غضب نموده است.

برخی عقیده دارند که مراد، نگریستن «اهل آسمان و زمین» بر آنان است که در این صورت، سماء و ارض جانشین مضاف خود (اهل) شده اند، مانند آیه: ﴿وَإِسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا﴾^(۲) (یوسف: ۸۲) که اهل قریه را اراده می‌کند و یا آیه: ﴿حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾^(۳)

۱- نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد.

۲- (و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن.

۳- تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد.

(محمد: ۴) که مراد (حَتَّى يَضْعُ أَهْلَ الْحِزْبِ الْبِتْلَاحِ) می باشد (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۹۷۳، ص ۱۷۰)؛ زیرا اهل زمین و آسمان برای مؤمنان و مقربان در گاه خداوند گریه می کنند، نه برای جبارانی همچون فرعونیان (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۱۷۹)؛ که با در نظر گرفتن این وجه، استعاره ای در کلام متصور نیست و الفاظ به معنای حقیقی خود به کار رفته اند.

بعضی نیز بر این عقیده اند که گریه آسمان و زمین، یک گریه حقیقی است که به صورت نوعی دگرگونی و سرخی مخصوص -علاوه بر سرخی همیشگی به هنگام طلوع و غروب- خودنمایی می کند. چنانکه در روایتی می خوانیم: «لَمَّا قِيلَ الْحَسْبُ بِنُ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَيْهِ وَبَكَتُهَا حُمْرَةُ اطْرَافِهَا»^(۱) (ر.ک: رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۰۰). همچنین وجه دیگری که درباره آیه آمده، کنایه بودن بکاء از سقیا است، یعنی ابر بر گورهای ایشان باران رحمت نمی بارد. و عرب باران را گریه ابر خوانده و باران را به گریه و گریه را به باران تشبیه می کند (ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۱۴).

نتیجه گیری

نقش فهم معنای دقیق واژه های قرآنی در درک مراد خداوند از آیات، بسیار ضروری و از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در نظر گرفتن تعدد معنایی واژگان قرآنی که از جنبه های اعجاز ادبی این کلام الهی است ضرورت عنایت به علم معناشناسی و مفهوم یابی مفردات قرآن را با تمرکز بر سیاق و بافت آن در آیات، دوچندان می کند. از جمله واژگان پرتکرار قرآن، واژه سماء است که بر معانی: سقف (السقف)، ابر (السحاب)، باران (المطر)، آسمان بهشت و دوزخ (سَاءِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ)، و آسمان (السَّاءِ) که وجه مقابل زمین است، دلالت دارد.

۱- یعنی هنگامی که حسین بن علی (ع) شهید شد، آسمان بر او گریه کرد، و گریه او سرخی مخصوصی بود که در اطراف آسمان نمایان شد.

معنای اخیر آن یعنی آسمان در مقابل زمین، بیشترین کاربرد قرآنی را به خود اختصاص داده است. میان این اختلاف معنا، ارتباط ظریفی وجود دارد؛ مانند زمانی که مراد از سماء، سقف خانه است که می‌توان میان آن دو، مفهوم بلندی و ارتفاع را فهمید. هدف از سوگند به سماء در قرآن کریم، که در لغت عرب زمان نزول قرآن، این شیوه سوگند، شناخته شده نبود، جلب توجه مخاطب به این پدیده خارق العاده و نیز استفاده از اسلوبی مناسب برای تشویق او به تفکر در کائنات است. دقت در همراهی واژه سماء با الفاظ دیگر نشان می‌دهد که قرآن با ظرافت و هنرمندی بی‌نظیر خود با استعمال این واژه در موقعیت مناسب آن و بهره‌مندی از فنون بلاغت عربی بمانند تشبیه و استعاره، مقصود خود را به بهترین شکل ممکن بیان نموده است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن انباری، محمد (۱۹۸۱م)، **المدتکر والمؤث**، المحقق: محمد عبد الخالق عظیمه، مصر: وزارة الأوقاف.
- ابن درید، محمد (۱۳۴۴ق)، **جمهره اللغة**. حیدرآباد الدکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف الكائنة.
- ابن سیده، علی (بی تا)، **المختص**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴م)، **تفسیر التحریر و التنویر**. تونس: الدار التونسية للنشر.
- ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ق)، **المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز**. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد (۱۹۷۹م)، **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا: دار الفكر.

- ابن قتیبه، عبدالله (۱۹۷۸م)، **تفسیر غریب القرآن**. تحقیق: السید احمد صقر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____، (۱۹۷۳م)، **تأویل مشکل القرآن**. شرحه: السید احمد صقر، بی جا: بی نا.
- _____، (۱۳۸۴ش)، **تأویل مشکل القرآن**. ترجمه: محمد حسن بحری بینا باج، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابن منظور، محمد (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**. قم: نشر ادب الحوزة.
- ابو عبیده، معمر بن المثنی (۱۹۸۸م)، **عجاز القرآن**. علق علیه: د. محمد فؤاد سزکین، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابوعلی فارسی، حسن (۱۹۹۹م)، **التکملة**. تحقیق: کاظم بحر المرجان، ط ۲، بیروت: عالم الکتب.
- ابوالفتح رازی، حسین (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. تحقیق: د. محمد جعفر یاحقی و د. محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، **تهذیب اللغة**. تحقیق: احمد عبدالعلیم البردونی، بی جا: الدار المصریه.
- بهارزاده، پروین (۱۳۸۹ش)، «وجوه و مصادیق واژه های ماء و سماء در قرآن»، **سقیه**، سال ۷، ش ۲۷، صص ۵۵-۶۹.
- بیضاوی، عبدالله (بی تا)، **أنوار التنزیل**. بیروت: دار الفکر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، **تفسیر تسنیم**. تحقیق: احمد قدسی، ویرایش: علی اسلامی، چ ۵، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل (۱۹۹۰م)، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)**. تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، ط ۴، بی جا: دار العلم للملایین.
- حسینی، بی بی حکیمه و مریم نخعی (۱۳۹۵ش)، **اعجاز ادبی قرآن در معناشناسی واژه سماء**، نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی، دانشگاه یاسوج.

- دامغانی، حسین (۱۹۸۰م)، **قاموس القرآن أو إصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن**.
حقّقه: عبدالعزیز سیّد الأهل، ط ۳، بی جا: دار العلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین (بی تا)، **المفردات فی غریب القرآن**. تحقیق: محمد سیّد کیلانی،
بیروت: دار المعرفة.
- رشید الدین میبدی، احمد (۱۳۷۱ش)، **کشف الأسرار و عدّه الأبوار**. تحقیق: علی اصغر
حکمت، چ ۵، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- زرکش، محمد (بی تا)، **البرهان فی علوم القرآن**. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره:
مکتبه دار التراث.
- زمخشری، محمود (بی تا)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی
وجوه التأویل**. تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شمس، ابراهیم سلیمان رشید (۱۴۲۴ق)، «حول بحث السماء بین التذکیر والتأنیث»، **مجلة
العرب**، السنه ۳۹، ذوالقعدة و ذوالحجة، الجزء ۵ و ۶، صص ۳۵۶-۳۵۹.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**. ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی
للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۹۵م)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. حقّقه: لجنة من العلماء،
بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد (۲۰۰۱م)، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**. تحقیق: د. عبدالله بن
عبدالمحسن التّركی، بی جا: دار هجر.
- طوسی، محمد (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**. مصحّح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار
إحياء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴ق)، **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**. قاهره: دار
الکتب المصریة.
- عبدالقاهر جرجانی (۲۰۰۴م)، **دلایل الإعجاز**. تعلیق: محمود محمد شاکر، ط ۵، قاهره: مکتبه
الخانجی.

- فیروزآبادی، محمد (۲۰۰۵م)، **القاموس المحيط**. تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرسالة. ط ۸، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- _____، (بی تا)، **بصائر ذوی التمییز فی لطائف کتاب العزیز**. تحقیق: محمد علی النجار، بیروت: المکتبه العلمیه.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۴ش)، **قاموس قرآن**. ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد (بی تا)، **الجامع لأحكام القرآن**. صححه: هشام سمیر البخاری، بی جا: دار عالم الکتب.
- لاشین، عبدالفتاح (۱۹۸۳م)، **صفاء الکلمه**. ریاض: دار المریخ.
- _____، (۱۹۸۰م)، **التراکیب النحویة من الوجهة البلاغیة عند عبدالقاهر**. ریاض: دار المریخ.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۳ش)، «**آسمان در فرهنگ اسلامی**»، محمد مجتهد شبستری، ج ۱، ش ۲۰۸، چاپ پنجم، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ش)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معرفت، محمد هادی (بی تا)، «اقتراح»، **پژوهش های قرآنی**، مشهد، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ش ۲۱-۲۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۰ش)، **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نجمای، أحمد صالح حمید (۲۰۰۳م)، **السماء و الأرض فی القرآن الکریم دراسة دلالية للألفاظ و التراکیب**. استاد راهنما: د. محیی الدین توفیق ابراهیم، کلیه الآداب، جامعه الموصل.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۴ش)، «معناشناسی توصیفی سماوات در قرآن»، **پژوهش دینی**، ش ۹، صص ۶۳-۸۴

**Revision of Concept of the Word "Samā'" (Welkin)
in the Qur'an**

'Seyyed Morteza Hosseini

Received: 2016/09/03

Accepted: 2017/06/17

Abstract

The words "samā'" (welkin) and "samāwāt'" (welkins) occur in some Quranic verses. A deep glance at this term may open new horizons of miraculous aspect of the Holy Quran. In this survey, the author looks at the word conceptually and analyzes the different structures and meanings for the purpose of recognizing a miraculous aspect of such a divine infinite ocean, i.e. the holy Quran. The search argues that some meanings like "Roof", "Cloud", "Rain", "Heaven and Hell Welkin" and the "Sky of the Earth" are referred as the secondary meanings of the Quranic term: "samā'" and there is a close connection between it and those meanings. The linguistic context of this word, however, especially conveys its quiddity and not merely the concept of "Up". Regarding to the syntagmatic relation of the word with others, in addition to the concepts of "majesty of the universe" and "its total submission to The Lord", implies new concepts based on its metaphors and similes. The paper methodologically is based on library research and data analysis.

Keywords: *Samā'* (welkin), concept, implication science, rhetoric science, the Holy Quran.

¹. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University in Birjand, Iran. mh@iaubir.ac.ir